

Prevention of Political Crimes and Political Upheaval¹

Morteza Motahharifard¹, Nafiseh Motavilzadeh Nacini², Hamid Roustaei Sadrabadi³

1. PhD. Student, Jurisprudence and Criminal Law, Ayatollah Haeri Meybod University, Meybod, Iran

(Corresponding Author). motaharifardmorteza@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Law, Ayatollah Haeri Meybod University, Meybod, Iran.
motavallizade@meybod.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Islamic Jurisprudence and Law, Ayatollah Haeri Meybod University, Meybod, Iran. Rustaeihamid@yahoo.com

Abstract

This study aims to investigate the prevention of crime and political upheaval. In this regard, the main question is whether the occurrence of political crimes in a country indicates the weakness of political and moral norms? Moreover, what are the basic components in preventing these crimes and overcoming them? The research method is descriptive-analytical and based on library resources. It has qualitatively studied the theoretical, applied axes about the prevention of political crime based on the Political Crime Law approved in 2016 and has applied the common theories in deviation and deviation. Where appropriate, field statistics of a variable have been tested to test the hypotheses of a variable. The results showed that the quantity and quality of political crimes in each country indicate the distance between the requirements of the value system in the socio-political field and the reality among the social masses. According to the definition of political matter and political crime in any country, political criminals can be categorized based on which a preventive approach can be taken. The purpose of preventing political crime is first to establish morality and normativeness in the socio-political sphere and, secondly, to prevent the transformation of political crimes into political upheaval (including security crimes, deprivation of liberty, and similar public crimes). Due to the attachment of the spiritual and material elements of the political crime to socio-political factors and positive concerns, the strategy for preventing these crimes should be sought more in social factors, value and anti-value systems, contexts of deviation, etc. and studied in the case of individual biological and psychological factors (which are more common in general crimes) is of little use in this category.

Keywords: Political crime, Political norms, Moral norms, Political criminals.

1. Received: 2018-04-23 ; Revision: 2019-04-22 ; Accepted: 2021-12-11

© the authors

<http://sm.psas.ir/>

Publisher: Political Studies Association of the Seminary



پیشگیری از جرایم سیاسی و طغیان سیاسی^۱

مرتضی مطهری فرد^۱، نفیسه متولی زاده نائینی^۲، حمید روستایی صدرآبادی^۳

۱. دانشجوی دکتری، فقه و حقوق جزا، دانشگاه آیت‌الله حائری میبد، میبد، ایران (نویسنده مسئول).

motaharifardmorteza@gmail.com

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه آیت‌الله حائری میبد، میبد، ایران. ali1389110@yahoo.com

۳. استادیار، گروه فقه، دانشگاه آیت‌الله حائری میبد، میبد، ایران. ali138911@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی پیشگیری از جرایم و طغیان سیاسی است. در این راستا، سوال اصلی این است که آیا بروز جرایم سیاسی در یک کشور حکایت از ضعف هنجارهای سیاسی و اخلاقی است؟ و مولفه‌های اساسی در پیشگیری از این جرایم و طغیان از آن چیست؟. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای به مطالعه محورهای کاربردی تئوریک به صورت کیفی در مورد پیشگیری از جرم سیاسی مبتنی بر قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ پرداخته و از نظریات رایج در حوزه انحراف و کج روی به صورت کاربردی بهره جسته و در موارد مقتضی به آمار میدانی یک متغیره برای به تجربه گذاردن فرضیات یک متغیره پرداخته است. نتایج نشان داد که کمیت و کیفیت بروز جرایم سیاسی در هر کشور، بیانگر فاصله بایسته‌های نظام ارزشی در حوزه سیاسی-اجتماعی و واقعیت موجود در میان توده‌های اجتماعی است. بنا به تعریف امر سیاسی و جرم سیاسی در هر کشور، مجرمین سیاسی قابل دسته‌بندی هستند، که مبتنی بر آن می‌توان به رویکرد پیشگیرانه در آن هم‌ت گمارد. غایت پیش‌گیری از جرم سیاسی ابتدا تثبیت اخلاق و هنجارمداری در حوزه سیاسی-اجتماعی بوده و در وهله بعد پیشگیری از تبدیل جرایم سیاسی به طغیان سیاسی (شامل جرایم امنیتی، سلب آسایش و جرایم عمومی مشابه) است. به دلیل گره خوردن عناصر معنوی و مادی جرم سیاسی به عوامل سیاسی-اجتماعی و دغدغه‌های مثبت، راهبرد پیشگیری از این جرایم را باید بیشتر در عوامل اجتماعی، نظام ارزش و ضد ارزش، بسترهای انحراف و... جستجو نمود و مطالعه در مورد عوامل زیستی و روانشناختی فردی (که بیشتر در جرایم عمومی رایج است) در این مقوله سود چندانی ندارد.

واژه‌های کلیدی: جرم سیاسی، هنجارهای سیاسی، هنجارهای اخلاقی، مجرمین سیاسی.

۱. حمید؛ مطهری فرد، مرتضی، متولی زاده نائینی، نفیسه؛ روستایی صدرآبادی (۱۴۰۰). پیشگیری از جرایم سیاسی و طغیان سیاسی. *سیاست*

متعالیه، ۹(۳۵): ص ۱۷۱-۱۹۰. DOI: 10.22034/sm.2022.84835.1210

تاریخ ارسال: ۱۳۹۷/۰۲/۰۳؛ تاریخ اصلاح: ۱۳۹۸/۰۲/۰۲؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۹/۲۰

۱. مقدمه

جرم سیاسی، مقوله‌ای است که دچار تعدد تعاریف از سوی صاحب‌نظران مختلف است. براساس اقتضانات، شرایط، ملاحظات و ساختارهای ذهنی و عینی هر کشور، این امر تعریف شده است. با توجه به تعاریفی که بعداً خواهد آمد، وجوهی در مورد مرتکبین و جوامعی که جرم سیاسی در آن واقع می‌شود، قابل طرح است. از حیث وجوه روانشناختی و اجتماعی در مورد مرتکبین باید گفت:

- (۱) این جوامع، جوامعی پویا به لحاظ دغدغه‌های سیاسی - اجتماعی شناخته می‌شوند،
- (۲) افراد این جوامع دارای خوی ماجراجویانه هستند و نه دغدغه‌های سیاسی - اجتماعی،
- (۳) این جوامع دارای دغدغه هستند، ولی روش ابراز و اظهار این دغدغه‌ها به درستی در آن جامعه به گفتمان تبدیل نشده است.

همچنین در همین راستا می‌توان در مورد حکومت‌ها قائل شد به اینکه:

- (۱) جوامعی که در آن جرایم سیاسی به حد فراوانی برسد، نشانگر آن است که نقایص فراوانی در سیستم حکومت‌داری آن کشور وجود دارد،
 - (۲) دستگاه حاکمیت در این جوامع در ایجاد توازن و تعادل بین وظایف حکومت و انتظارات از حکومت ضعیف عمل نموده است،
 - (۳) اینگونه جوامع دارای فضای باز سیاسی هستند و ارباب و قوه قهریه در آن جایگاهی ندارد.
- با توجه به وجوه فوق‌الذکر، مسأله اصلی این پژوهش که به صورت ضمنی و تبیینی (و نه به صراحت) مشخص خواهد شد، این است که اولاً، آیا پیشگیری از جرایم سیاسی مانند دیگر جرایم، دارای مطلوبیت ذاتی است یا خیر؟ در این پیشگیری چه عواملی دخیل است و نسبت این عوامل با جامعه دارای امنیت چیست؟

۲. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای بوده و در مواردی به عنوان موید به آمار و ارقام میدانی که محصول طرح پرسشنامه توسط مولف در میان بعضی جوامع آماری است، تمسک شده است که برای اولین بار در این پژوهش ارائه می‌شود. در واقع نوعی تلفیق بین روش کمی و پدیدارشناختی کیفی توأم با طرح مبانی نظری انجام شده و گاهی پاسخ‌های علمی مقدر به لسان تجربه، به وسیله نتایج پرسشنامه ارائه شده است. لازم به ذکر است که محوریت پژوهش حاضر طرح مبانی پیشگیری

از جرم بوده و لازمه طرح مبانی نظریه پردازی، مبتنی بر مباحث تئوریک است. ضمن آنکه آمار و ارقام استفاده شده به دلیل آنکه یک متغیره بوده و موید رابطه یک عامل برای یک برون داد است، نیازی به تحلیل های محاسباتی و شاخص های نموداری نداشته و از سنخ آزمایش فرضیه های بدیهی است، نه فرضیه های پارادایمی. بنابراین، با تعریف ارکان جرم سیاسی در وهله اول، تعیین ارکان جرم سیاسی در وهله دوم، ریشه یابی چرایی ارتکاب جرم مبتنی بر ارکان آن به وسیله مفاهیم دینی و یا جرم شناسی و همچنین به تجربه گذاردن فرضیات به دست آمده با طرح پرسشنامه و در نهایت دسته بندی سه گانه از مجرمین، به ارائه مبانی پیشگیری از جرایم سیاسی پرداخته شده است.

۳. بنیادهای نظری تحقیق

(۱) جرم سیاسی با توجه به عناصر مادی و معنوی و قانونی آن غالباً از افراد و نخبگان سیاسی - اجتماعی و یا فعالان این حوزه در جامعه سر می زند. بنابراین، راهبردهای پیشگیری در قبال مرتکبین اینگونه جرایم باید با بزهکاران و مرتکبین دیگر جرایم تفاوت داشته باشد.

(۲) تعریف عناصر مادی و معنوی در جرم سیاسی تابع مجموعه ای از اقتضائات عرفی، مصلحت آمیز و مبانی ایدئولوژیک هر حکومت و... است. لذا، راهبرد پیشگیری نیز کلی نبوده و در موارد مختلفی باید قابلیت انعطاف داشته باشد.

(۳) جرم سیاسی در این تحقیق بنابر قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵ تعریف شده است، لذا، بستر تحقیق جامعه دینی است.

(۴) تحلیل پیشگیری از جرم سیاسی بیشتر در حوزه نظریه های کج روی قابل تأمل است تا جرم شناسی، هر چند که این دو حوزه مترادف و قرابتی متفاوت از دو شاخه علمی مختلف است.

(۵) به دلیل اینکه جرم سیاسی نیز نوعی هنجارشکنی تلقی می گردد، ولی در عین حال فرض بر این است که شخص مجرم دارای روحیه اصلاح گرانه و خیر خواهانه است، تحلیل کج روی وی در دو سطح زیستی و روانشناختی (که بیشتر در جرایم عمومی مورد عنایت است)، در این پژوهش مقدمات بعیده محسوب شده و بدان پرداخته نمی شود. همچنین به دلیل تفاوت رویکرد هر مکتب به مقوله کج روی و جرم سیاسی، تحلیل های روانشناختی اجتماعی و جامعه شناختی نیز بدون طرح مبانی تئوری محض و بیشتر به صورت ملموس و کاربردی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

۴. ارکان جرم سیاسی

براساس تعاریف موجود در علم حقوق و جرم‌شناسی، می‌توان ارکان زیر را برشمرد که در نهایت یکی از این مبناها می‌تواند با قانون جرم سیاسی در جمهوری اسلامی تطبیق شود. این تعاریف با سه شاخص قابل دسته‌بندی هستند:

الف) براساس عنصر معنوی: جرایمی که بدون توجه به عنصر مادی و میزان افساد آن، همراه با انگیزه و هدف سیاسی باشند (نصراوی، ۱۹۷۷م: ص ۱۳۱). نقدی که به این تعریف وارد است اینکه، این جرایم می‌تواند تمام جرایم عمومی را در برگیرد و همچنین میزان افساد و اختلال جامعه در تعریف این جرایم دخیل نیست، که اصل تناسب جرم و مجازات را از میان می‌برد (حومد، ۱۹۶۳م: ص ۲۰۳).

ب) براساس موضوع جرم: در این دسته تعاریف، هرگاه موضوع جرم حکومت یا ارکان آن باشد، جرم سیاسی تلقی می‌شود (ولیدی، ۱۳۷۳: ص ۱۵۴). نقد وارد بر این مبنا نیز این است که ملاحظات امنیتی و افتراق در مورد انگیزه خطرناک و براندازانه و یا اشتباه و... در مورد مجرمین لحاظ نشده و همگی ذیل یک عنوان جای می‌گیرند که مطلوب نیست (پیوندی، ۱۳۸۲: ص ۹۹).

ج) نظریه تلفیق دو نظریه قبل: این مبنا قائل به مداخلیت هر دو شاخص انگیزه سیاسی و عنصر مادی لطمه زننده به حکومت و ارکان آن بوده (علی‌آبادی، ۱۳۶۷: ج ۳، ص ۱۰۳) که باز هم نقدهای فوق‌الذکر بر آن وارد است.

د) نظریات مقید به شرایط: پس از ذکر این تعاریف، آنچه وجیه‌تر به نظر می‌رسد، تعاریفی است که گرچه به نوعی از تعاریف فوق گرفته شده است، لکن با تقید به شرایطی به مفهومی جامع و مانع از جرم سیاسی دست یافته‌اند. دسته‌ای که مجرم سیاسی را کسی می‌دانند که با پذیرش اصل نظام درصدد اصلاح کارکردهای درون نظام هستند (پیله، ۱۳۸۴: ص ۲۱۲) و دسته‌ای که براندازی اصل نظام را هدف خود قرار داده‌اند (صانعی، ۱۳۸۲: ص ۲۸۹). بی‌شک تعریف اول وجیه‌تر و با اهداف و اغراض تفکیک جرایم سیاسی از دیگر جرایم سازگارتر است.

در جمهوری اسلامی ایران براساس تعریف اول از قسمت «د»، قانون جرم سیاسی تصویب شده است که دو شرط با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور بودن، بدون قصد ضربه زدن به اصل نظام (ماده ۱ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵) در آن ملحوظ شده است. لذا، تاکید پژوهش حاضر بر این تعریف خواهد بود. بنابراین، رویکرد مقنن در مقوله جرم

سیاسی ارکان جرم سیاسی را می‌توان اینگونه تعریف نمود:

۱- **عنصر معنوی جرم سیاسی:** جرم سیاسی در قانون کشور متشکل از دو جزء است، جزئی به عنوان سوءنیت خاص و عام در برخی جرایم عمومی که در قانون جرم سیاسی بدان تصریح شده است (توهین و افتراء به شخصیت‌های نظام به واسطه مسئولیت آنان به جز رهبری، جرائم مندرج در بندهای (د) و (ه) ماده (۱۶) قانون فعالیت احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مصوب ۱۳۶۰/۶/۷، جرائم مقرر در قوانین انتخابات، نشر اکاذیب) و جزء دوم به عنوان حسن نیت سیاسی که از جهات مخففه تلقی شده است. لذا، جرم سیاسی دارای عنصر معنوی مرکب است.

۲- **عنصر مادی جرم سیاسی:** عنصر مادی جرم سیاسی شامل:

الف) رفتار فیزیکی جرایم عمومی فوق‌الذکر است،

ب) طبق ماده ۲ قانون جرم سیاسی شرایطی که موجب می‌شود جرایم عمومی مذکور سیاسی تلقی شود، باید طبق ماده ۱ این قانون، هر یک از جرائم مصرح در ماده (۲) این قانون، چنانچه با انگیزه اصلاح امور کشور علیه مدیریت و نهادهای سیاسی یا سیاست‌های داخلی یا خارجی کشور ارتکاب یابد، بدون آنکه مرتکب، قصد ضربه زدن به اصل نظام را داشته باشد، جرم سیاسی محسوب می‌شود،

ج) نتایجی که جرم را مشمول عناوین افساد فی الارض، حدود، قصاص، دیات، جرایم علیه اموال و امنیت و... می‌کند، نداشته باشد (ماده ۳ قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵).

۵. مطلوبیت پیشگیری از جرایم سیاسی

اولین مسأله در باب پیشگیری از جرایم سیاسی این است که آیا فقدان جرم سیاسی در جامعه مطلوبیت ذاتی دارد و یا با شرایطی، مطلوب و یا غیرمطلوب می‌گردد. کاوش پیرامون این قضیه مستلزم آن است که ریشه‌های جرم سیاسی کشف و در مورد آن اظهار نظر شود. لذا، با دسته‌بندی مجرمین سیاسی به این مقوله پرداخته می‌شود:

۵-۱. مجرمین دارای انگیزه اصلاح‌گراانه با شرط التزام به اصل نظام

گاهی ریشه اساسی جرم سیاسی آرمان‌خواهی، عدالت‌خواهی و نوعی شرافت‌مندانه بودن قصد مجرمانه است (حومد، ۱۹۶۳م: ص ۲۰۲) که به دلایلی با افعال قبیحی ترکیب شده و جرم سیاسی را پدید

می آورد. تردیدی نیست که در اینگونه مواقع که ریشه جرم سوء قصد علیه حاکمیت و شرارت و اقدام علیه امنیت یا اصل نظام نیست، نمی توان گفت فقدان جرم سیاسی مطلوبیت ذاتی دارد، بلکه اصل آن نشانه ای خوب از جامعه ای پویا، دغدغه مند و آرمان گرا دارد، ولیکن عوارض این ریشه مطلوب، نامطلوب است، یعنی این دغدغه های شرافت مندانه می توانست بدون ارتکاب جرم دنبال شود که خلاف این امر بیانگر این است که بلوغ عقلانیت و اخلاق، به تناسب بلوغ سیاسی - اجتماعی توده های اجتماعی نبوده است. لذا، در حکومت دینی می توان تحلیل نمود که دستگاه حکومت و تمامی دست اندرکاران فرهنگ و عقاید جامعه به نحوی ضعیف تر از حد لازم عمل نموده اند. طبعاً، در این مورد اقدامات و راهبردهای پیشگیری از وقوع جرم که محور پیشگیری را تک وجهی و به صورت جزءنگر بر روی شخص بزهکار یا بزه دیده یا بستر محیطی می دانند، آنچنان کارگر نخواهد بود.

در این مورد راهبردهای پیشگیری از جرایم سیاسی بدون خشکاندن ریشه مطلوب آن در محورهای زیر قابل ارائه است:

۵-۱-۱. آموزش و گفتمان سازی اخلاقی

همانطور که قبلاً گفته شد، توجه به شخصیت مجرم بسیار مهم است. در این نوع مجرمین که با پذیرش اصل نظام، سعی در اصلاح عملکرد حکومت دارند و انگیزه شان شرافت مندانه است، تردیدی نیست که سیاست های شدید کیفری، تأثیر چندانی بر ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم سیاسی بر آنان ندارد، زیرا مرتکبین این دسته جرایم غالباً نخبگان جامعه هستند که سیاست قهریه و ارعاب از طریق وضع قوانین شدید، معمولاً موجب نمی شود که از آرمان های خود دست بکشند، بلکه در اینگونه افراد باید به جای بازداشتن آنها از اقدامات خود، به اقدامات آنها جهت و سمت و سوی اخلاقی و هنجارمدار داد. این امر تنها با آموزش و گفتمان سازی اخلاقی قابل تحصیل است.

نگارنده در طی یک مصاحبه با دو طیف افراد دغدغه مند (در طی شش ماه) از مردم عادی (در این تحقیق دانشجویان و طلاب) و از بین افراد نخبه در سطحی کلان تر (در این تحقیق اساتید حوزه و دانشگاه) به نتایجی دست یافته است. این افراد تصادفی و به صرف اینکه حضوری فعال در تشکل های فرهنگی - اجتماعی داشته اند، انتخاب شدند. محور و مضمون این مصاحبه، سوالاتی به این شرح بود که: آیا با وضع قوانین کیفری شدید از جمله حبس، شلاق و محرومیت های اجتماعی، حاضر به اعتراض علیه حکومت و

مسئولین هستید؟ (بله، خیر، بستگی به موضوع اعتراض دارد)، آیا وضع همان قوانین کیفری، موجب نمی‌شود تا در نوع اعتراض خود دقت نموده تا مشمول عناوین مجرمانه نشوید؟ (بله، خیر، بستگی به اقتضانات آن لحظه دارد).

در ۵۰۰ نفر از دانشجویان و طلاب فعال فرهنگی - سیاسی در نهادهای بسیج دانشجویی، انجمن اسلامی، جنبش عدالت‌خواه و...، در دانشگاه‌های قم، یزد و میبد، ۸۶٪ در پاسخ به سوال اول اظهار داشتند که از اعتراض خود صرف‌نظر خواهند کرد، ۴٪ ابراز داشتند که صرف‌نظر نخواهند کرد، و ۱۰٪ اظهار نمودند که بستگی به موضوع اعتراض دارد. این نتایج نشان می‌دهد که سیاست قهریه و قوانین سخت در اصل دغدغه‌های شرافت‌مندان مردم عادی نیز تأثیر می‌گذارد. جامعه آماری در پاسخ به سوال دوم اینگونه اظهار داشتند که: ۸۸٪ مواظب رفتار خود خواهند بود، ۳٪ ابراز داشتند مراقب رفتار خود نخواهند بود و ۹٪ ابراز داشتند که بستگی به حالات آنان در لحظه دارد. ملاحظه می‌شود که مردم عادی که دارای دغدغه هستند، بین جرم سیاسی و دغدغه سیاسی تفاوت فاحشی قائل نیستند و توجه به نتیجه و مجازات‌ها، در عملکرد آنان تأثیر قابل توجهی دارد.

این سوالات در پاسخ ۲۰۰ تن از نخبگان سیاسی - اجتماعی (شامل اساتید حوزه و دانشگاه و فعالان حزبی و صنفی در مراکز آموزش عالی شهرستان‌های قم، یزد، میبد) که آنها نیز به طور تصادفی با لحاظ ویژگی مدرک تحصیلی (دکتری)، سن (۳۰-۶۵)، گستره فعالیت (استانی یا ملی و ناظر به ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و...) و اهداف (کوتاه مدت موثر، میان مدت و بلند مدت)، انتخاب شدند، نتایجی به شرح زیر داشت: ۶۶٪ در پاسخ به این سوال اظهار داشتند که از اعتراض خود صرف‌نظر نخواهند کرد، ۲۸٪ اظهار داشتند بستگی به موضوع اعتراض دارد و ۱۲٪ مدعی شدند که از اعتراض خود صرف‌نظر می‌کنند. در پاسخ به سوال دوم نیز اینگونه پاسخ دادند که ۴۱٪ مراقب رفتار خود خواهند بود، ۶٪ مراقب رفتار خود نخواهند بود و ۵۳٪ اظهار نمودند که بستگی به شرایط و احوالات خود دارد. بنابراین، براساس پاسخ‌های سوال اول، غالب نخبگان جامعه با قوه قهریه و مجازات‌های سنگین دست از دغدغه‌های خود برنداشته و براساس پاسخ‌های سوال دوم نیز نمی‌توان به نتیجه متقنی رسید. بنابراین، قدر متیقن این نتایج این است که قوه قهریه برای پیشگیری از جرایم سیاسی با شرط التزام به اصل نظام در مورد نخبگان کم‌تأثیر و راهکار اصلی تمسک به گفتمان‌سازی اخلاقی و آموزش است.

۵-۱-۲. علقه‌سازی بین مسئولین نظام و بافت اجتماعی

در ظاهر این گزینه شاید با عنوان نظریه کنترل اجتماعی (ر.ک.: ممتاز، ۱۳۸۱: ص ۱۲۰) دارای شباهت باشد، ولیکن نظریه کنترل اجتماعی ناظر به انحای راه‌هایی است که موجب وابستگی، تعهد و... بین اشخاص، گروه‌ها و جامعه می‌شود که نوعی کنترل وجدانی، عقلی و... بر عدم هنجارشکنی‌ای است که همگان آن را پذیرفته‌اند، در حالی که در اینجا هدف از علقه‌سازی به تناسب موضوع (جرم سیاسی)، از بین بردن مقوله جبهه‌سازی متقابل بین اشخاص و گروه‌ها و به تبع آن ورود و رسوخ اخلاق متقابل و عدم طغیان در امر سیاست است. نگارنده با اقدام به مصاحبه‌ای با ۷۰۰ نفر (در طی شش ماه، در اماکن عمومی شهر قم، یزد و میبد) و تحلیل بازخوردها به نتایج قابل توجهی رسید:

محور این مصاحبه این سوال بود که اگر خبری مبنی بر اشتباه عمدی یا غیرعمدی یا اتهامی از فرد "x" و "y" منتشر شود، واکنش شما چه خواهد بود؟

حدود ۹۷٪ این جامعه آماری در انتقاد از «طیف سیاسی مورد علاقه خود»، بسیار مراقب بودند تا توهین یا اکاذیبی نسبت به آنها گفته نشود. در واقع ۳٪ این جامعه آماری اخلاق‌مداری‌شان تابع علایق سیاسی‌شان نبوده و به هر حال از توهین و نشر اکاذیب و... پرهیز نمی‌کنند. حدود ۷۸٪ جامعه آماری در قبال «طیف سیاسی مقابل خود» مراقبت خاصی در استفاده از الفاظ موهن و یا نسبت دادن اکاذیب نداشتند.

۷۵٪ اخلاق‌مداری‌شان تحت تاثیر علایق سیاسی‌شان بوده و ۲۲٪ از این جامعه آماری بدون توجه به علایق سیاسی‌شان اخلاق را رعایت کرده و پابندی درونی به آن دارند و ۳٪ اساساً علایق سیاسی، مانع آنها در هنجارشکنی نبود.

این ارقام نشان‌دهنده اهمیت بالای توجه به علایق افراد در کاهش جرایم سیاسی است، بدون آنکه دغدغه‌مندی آنان زایل شود. تعبیر مقام معظم رهبری مبنی بر همدلی و هم‌زبانی مردم و مسئولین چه بسا بهترین راهبرد برای نیل به جامعه‌ای دغدغه‌مند، آرمان‌گرا و در عین حال اخلاق‌مدار است. اما اینکه این همدلی و هم‌زبانی چگونه قابل حصول است، رهبر معظم انقلاب می‌فرمایند:

۱) اعتمادسازی متقابل مردم و مسئولین در قبال هم (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱/۱)،

۲) شفافیت مسئولین با مردم و مطلع نمودن آنها از حقایق،

۳) تبادل نظر با آنها و سعی در قانع نمودن آنها در صورت اعتراض و انتقاد آنها،

۴) استمرار بر این روند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۴/۱/۲۰).

۵-۱-۳. رفع کاستی‌های حکومت و جامعه

انتقاد و اعتراض به ساختارها و عملکرد و... در یک حکومت می‌تواند فرصتی گرانمایه برای تقویت بنیه کشور و رفع ضعف‌ها و تبدیل آن به قوت‌ها باشد. مردمی که به طریق انتقاد و اعتراض در امور سیاسی و اجتماعی مشارکت می‌کنند، بی‌شک یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی تلقی می‌شوند که به صورت خودجوش به مثابه یک دستگاه نظارتی و عیب‌یاب عمل کرده و موجب تعالی هر حکومت می‌شوند. این مقوله در روایات پیامبر (ص) و اهل‌بیت (ع) ایشان تحت عنوان نصیحت آورده شده است (فتال نیشابوری، ۱۳۷۵: ج ۲، ص ۴۲۴؛ کلینی، ۱۴۲۹ق: ج ۲، ص ۳۳۶؛ نهج‌البلاغه، ۱۴۱۴ق: ص ۷۹). اصولاً دغدغه‌مندی افراد در برابر حکومت و مشارکت فعال آنان که مفهوم مقابل آن بی‌تفاوتی است، از تقویت‌کننده‌های ضریب امنیت ملی هر کشور است (علایی، ۱۳۹۱: ص ۳۰). بنابراین، یکی از راهبردهای اتخاذی برای پیشگیری از جرایم سیاسی، توجه به کاستی‌هایی است که مورد انتقاد و اعتراض مرتکبین جرایم سیاسی واقع می‌شود. این امر بی‌شک در غایت خود نیل به مدینه فاضله خواهد بود که هدف اصلی و آرمانی هر حکومت دینی است (طوسی، ۱۴۱۳ق: ص ۲۴۲، ۲۵۷؛ صدرالدین شیرازی، ۱۳۵۴: ص ۴۹۰).

در واقع در این راهکار یا راهبرد پیشگیرانه، زدودن انگیزه جرم به واسطه زدودن علل مُعد جرم است، بدون اینکه دغدغه را از بین برده باشد. به دیگر سخن، دغدغه سیاسی - اجتماعی موجب اصلاح ساختارهای سیاسی و حکومتی و... شده و مانع بالفعل شدن علل و انگیزه‌هایی می‌گردد که راه بروز دغدغه را مجرمانه پی می‌گیرند. این نوع مقابله با وقوع جرم را هم می‌توان در دیدگاه پیشگیری اصلاحی و اجتماعی جستجو کرد و هم در دیدگاه پیشگیری وضعی (ر.ک.: صفاری، ۱۳۸۰: ص ۲۷۹-۲۸۳).

۵-۱-۴. گردش آزاد اطلاعات و حق دسترسی به اطلاعات

این مورد، تحت عنوان قبل نیز قابل بررسی بود، زیرا یکی از کاستی‌های حکومت‌ها که مانع جریان یافتن غیرمجرمانه امر سیاسی می‌گردد، فقدان دسترسی شفاف به اطلاعات لازم جهت کسب آگاهی و آگاهی‌بخشی است. برای نمونه جرایمی چون افتراء، نشر اکاذیب و شایعه‌پراکنی به طور مستقیم می‌تواند معلول دوگانگی حقیقت با اطلاعات جاری در افکار عمومی باشد. در جامعه شفاف با حق دسترسی عادلانه به اطلاعات، افتراء و شایعه و اکاذیب نقشی تعیین‌کننده در معادلات سیاسی و مطالبه‌گری نخواهد

داشت. ضمن آنکه فقدان شفافیت، تاثیرگذاری مجرمانه و نوعی میج گیری سیاسی را جایگزین اعتماد متقابل و مطالبه‌گری از سنخ نصح‌الائمه می‌کند. هنگامی که حق و تکلیف متقابل جامعه و حکومت، کیفیت عملکرد و... شفاف باشد، تعامل سازنده سهل‌تر محقق می‌شود. در کشور ما قوانین خوبی (از جمله قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۶) در این زمینه تدوین شده که بایستی لوازم عملی آن نیز محقق شود.

۲-۵. مجرمین متعددی به اصل نظام، امنیت و آسایش (طغیان‌گر سیاسی) با سوءنیت سیاسی

این دسته مجرمان از تعریف مجرمان سیاسی خارج هستند، لکن انتظار می‌رود که اینگونه افراد اگر در بستر انگیزشی و محیطی جرم سیاسی قرار بگیرند، غالباً مرتکب طغیان سیاسی شوند. لذا، مطالعه روی این دسته افراد نیز در فرآیند مطالعه پیشگیری از جرایم سیاسی حائز اهمیت است. اینگونه مجرمین خوی مجرمانه داشته، مبانی ایدئولوژیک نظام را قبول نداشته و برای نیل به اغراض شخصی یا صنفی خود ابایی از به چالش کشیدن امنیت عمومی ندارند. وجود اینگونه افراد و جریان‌ها در یک کشور، نه تنها گویای دغدغه سیاسی- اجتماعی نیست، بلکه اصولاً باعث گسست اجتماعی و هنجارشکنی در قبال آرمان‌ها و اهداف ملی- مذهبی است. در پیشگیری از جرایم سیاسی در اینگونه افراد، باید به مراتب پیشگیری توجه نمود. بدین معنا که اگر ریشه آن جهل است، باید درصدد رفع جهل آنان برآمد، آنگونه که حضرت امیر(ع) در قبال خوارج این مقوله را نصب‌العین قرار داده و بخش اعظمی از آنان را از ستیز با خود منصرف نمودند (عاملی، ۱۳۸۷: ص ۱۸۱)، و اگر ریشه آن عناد و لجباجت است، چاره‌ای جز راهبرد قهریه نیست، آنچنان که جنگ نهروان با این دسته از معاندین انجام شد و تعداد زیادی از آنها توسط حضرت امیر(ع) سرکوب و کشته شدند (ابن شهر آشوب، بی‌تا: ص ۱۸۹). پیشگیری از جرم سیاسی در اینجا نه این است که دغدغه‌های سیاسی در قالب اخلاق ابراز و اظهار شود، بلکه حقیقتاً جرایم سیاسی (اقدامات سیاسی‌ای که با جرم عمومی قرین شده است) به تجاوز و براندازی سیاسی منجر نشود. در واقع فرق این دسته با دسته اول این است که در دسته اول سعی بر این است که افراد اقدام سیاسی را قرین با اخلاق نمایند تا اساساً جرم سیاسی محقق نشود و در دسته دوم سعی بر این است که مجرمین سیاسی، به طغیان‌گر سیاسی (مجرمین امنیتی و محارب و باغی) مبدل نشوند. طبق گفته برخی از جرم‌شناسان، از تجمیع سه عنصر مرتکب با انگیزه، فقدان مانع موثر و وضعیت و بستر مستعد و محافظت نشده جرم برمی‌خیزد (Cohen & Felson, 1979: p.588). لذا، در صورتی که جامعه از سطح

مطلوب نسبی برخوردار بوده و ملاحظات مختلف اجتماعی، سیاسی، امنیتی در آن رعایت شده باشد، برای پیشگیری از وقوع جرم سیاسی به گونه‌ای که به جرایم سنگین امنیتی و افساد و... منجر نشود، باید بر روی مرتکب جرم و مانع موثر تکیه بیشتری کرد. به دلیل آنکه روی سخن در این پژوهش جرم سیاسی است و این دسته از جرایم (طغیان سیاسی) به نوعی جرایم علیه امنیت و آسایش تلقی می‌شوند، لذا، پرداختن تفصیلی به آن در حیطه موضوعی این تحقیق نمی‌گنجد و به تحقیقی دیگر نیاز دارد. اما علاوه بر سه راهکار ارائه شده در قسمت قبل، اجمالاً می‌توان موارد ذیل را نیز برای پیشگیری از تبدیل جرایم سیاسی به جرایم علیه امنیت، آسایش و براندازی حکومت افزود:

۵-۲-۱. زایل نمودن توهم قدرت و برتری فکری مجرمین

اگر این دسته مجرمین به دو قسمت معاند ذاتی و معاند غیرذاتی تقسیم شوند (با فرض اینکه معاند ذاتی به دلایلی غیر از دغدغه‌های سیاسی مانند اجیر بودن، نفوذی بودن و... اقدام به جرم نموده و معاند غیرذاتی با دغدغه‌های سیاسی راهی خطرناک را برای نیل به اهداف و براندازی اصل نظام انتخاب کرده است)، غالباً ریشه عناد و طغیان در این دسته مجرمین، احساس کاذب استغناء و نوعی خودبرتربینی فکری نسبت به ایدئولوژی حاکم و احساس قدرت کاذب بر تغییر وضع موجود است. این مفهوم تعبیر صریح در قرآن کریم دارد، «همانا انسان طغیان می‌کند، آنگاه که خود را مستغنی می‌بیند» (علق، ۶-۷).

۵-۲-۲. زدودن بستر مناسب انگیزشی در اثر بی‌سازمانی اجتماعی

مجرم هنگامی انگیزه کافی برای طغیان می‌یابد که راه حصول نتیجه را تا حد زیادی هموار بداند و در عین حال نسبت به عقبه حرکت خود بی‌اطلاع یا بی‌تفاوت باشد. اینگونه علل در بروز مجرمیت از یک جهت به ویژگی شخصی افراد برمی‌گردد که مجال بحث در مورد آن نیست و از سوی دیگر به تعبیر نگارنده به سستی پدافند سیاسی و اجتماعی مبتنی بر ارزش از سوی مسئولان امر در برابر جرم و طغیان برمی‌گردد. به بیان دیگر، اگر فضای حاکم بر جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی شود، به تعبیر نظریه‌پردازان این حوزه، بین اهداف و شیوه‌های مقبول ارزشی و ضد ارزش آشتنگی و تعارض پیش آمده (Faris, 1948: p.49) و این فضا جسارت سرکشی را به مجرم خواهد داد. در این فضا دور از ذهن نیست که حتی جرایم سیاسی به طغیان سیاسی مبدل شود. در حکومت دینی گرچه اصل بر درونی‌سازی ارزش و دستورات الهی است، لکن قرآن کریم توصیف می‌کند که «برخی (مجرمین) از مردم بیم دارند، ولی از خدا بیم ندارند» (نساء،

۱۰۸). لذا، در جامعه‌ای که دچار تعارض در روش‌ها و اهداف سیاسی- اجتماعی است، افرادی که از عامل کنترل درونی (به تعبیر دینی تقوا) برخوردار نیستند، به دلیل اینکه خود را از ذره‌بین سرزنش اجتماعی در امنیت می‌بینند، به راحتی اجازه کج‌روی را به خود خواهند داد (ر.ک.: ستوده، ۱۳۸۶: ص ۱۵۴).

۳-۵. مجرمین با انگیزه اصلاح‌گراانه و اشتباه در اقدام اتخاذی و اقدام علیه اصل نظام

این دسته از مجرمین گرچه به لحاظ عنصر مادی جرم، در دسته‌بندی قانونی مجرمین سیاسی قرار نمی‌گیرند و در صورت ارتکاب جرایم عمومی به دلیل حجم نتایج زیان‌بار اعمالشان همچون مجرمین دیگر محاکمه می‌شوند، لکن، از دیدگاه پیشگیرانه، تفاوت جدی با دسته اول و دوم دارند. این افراد خوی بزهکارانه ندارند، بلکه با انگیزه اصلاح اقدامی، مرتکب مفسده شده‌اند. عمده این افراد در اثر جهل و یا اغوا و یا هیجانات جمعی دست به اقدامات خود می‌زنند. بنابراین، رویکرد پیشگیرانه در قبال این افراد باید مبتنی بر همین عوامل باشد. با تحقیق در احوالات این دسته از مجرمین می‌توان عامل اصلی را در پیشگیری از وقوع جرم سیاسی و یا پیشگیری از تبدیل جرم سیاسی به جرایم عمومی و امنیتی اینگونه برشمرد:

۳-۱. الگوهای رفتار سیاسی- اجتماعی و جهت‌گیری آنها

از عوامل مهم بروز بی‌اخلاقی در عرصه سیاسی- اجتماعی و یا طغیان جرم سیاسی به جرایم عمومی و امنیتی در این دسته از مجرمین که دغدغه‌های مثبت داشته، ولیکن در طریق اتخاذی دچار طغیان می‌شوند، نداشتن الگوهای هنجاری در این عرصه و یا وجود الگوهای نامناسب در آن جوامع است. این الگوها می‌تواند مجموعه‌ای از الگوهای زنده روزمره باشد (بندورا، ۱۳۷۲: ص ۵۱) و می‌تواند به تعبیر برخی کدها و تأئید و تنبیه‌های اجتماعی برای جهت‌دهی به همان اجتماع باشد (Bandura, 1991: Vol.1, p.2) و یا الگوهای نمادین که اغلب مورد استفاده گسترده رسانه‌ها قرار می‌گیرد، باشد (بندورا، ۱۳۷۲: ص ۱۰). یک اخلاق مشترک برای کنش‌وری انسان در هر جامعه‌ای ضروری است و نمی‌توان به استانداردهای فردی و شخصی اکتفاء کرد. شاید بسیاری از رفتارها از نظر یک شخص، مزیت داشته باشند، اما از نظر شخص دیگر، مضرّ و زیان‌بخش باشند (کاوایانی و فصیحی رامندی، ۱۳۹۱: ص ۱۰۶).

بنابراین، الگوهای سیاسی مبتنی بر ایدئولوژی مورد تأئید مکتب سیاسی کشور لازمه پیشگیری از طغیان و بی‌اخلاقی سیاسی است. در نظریه‌های کج‌روی، به این امر به گونه‌ای دیگر نگریسته می‌شود.

مجموع خرده‌نظام‌هایی که در یک کشور وجود دارد (خرده‌نظام فرهنگی، اقتصادی، قضایی و...) و مجموع آنها ارزش و غیر ارزش را شکل می‌دهند، نباید در تضاد با یکدیگر باشند، چرا که موجب تشکیک در هنجارها می‌شوند و در عین حال هر کدام مأمنی برای پنهان شدن هویت مجرمانه مجرمین خواهند شد (ر.ک.: ادیبی و انصاری، ۱۳۹۱: ص ۹۲؛ احمدی، ۱۳۸۹: ص ۵۴) که وقوع جرم سیاسی و طغیان سیاسی را تسهیل می‌کنند. به عقیده نگارنده، این راهبرد می‌تواند با توسل به دو عنصر باشد: الگوهای انسانی و الگوهای جریانی.

به تعبیر روایات شباهت مردم به امرای‌شان بیش از والدین‌شان است (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ص ۲۰۸). بنابراین، چه به صورت انسانی و موردی و چه به صورت جریانی خصیصه‌هایی لازم است تا این الگوسازی به پیشگیری از جرم سیاسی و پیشگیری از طغیان سیاسی منجر شود.

الگوهای سیاسی شخصی که مورد مانور قرار می‌گیرند تا الگو واقع شوند، باید از چند خصیصه برخوردار باشد:

۱- به لحاظ عاطفی مورد قبول همه طیف‌ها باشد. پر واضح است که گام اول الگو واقع شدن اشخاص، مقبولیت عاطفی آنهاست. این محبوبیت و یا مقبولیت عاطفی می‌تواند برای طیف‌های مختلف علل و وجوه مختلفی داشته باشد. نگارنده با نظرسنجی از ۴۰۰ دانشجو در مراکز آموزش عالی قم، یزد و میبد در مورد ۵ شخصیت به طور جداگانه، به نتایج قابل توجهی دست یافته است: اول اینکه در هر ۵ مرتبه نظرسنجی در مورد هر ۵ شخصیت بین ۷۶٪ تا ۸۳٪ این افراد به این شخصیت‌ها از جهتی ابراز علاقه کردند که وجه شهرت آنان نبوده است، یعنی اگر یک شخصیت به خاطر نبوغ اقتصادی معروف است، در نزد این افراد به علتی غیر از نبوغ اقتصادی محبوب می‌باشد که این گویای تأثیر پر رنگ عواطف بر عناوین و عقلانیت سیاسی حاکم بر جامعه است. دوم اینکه ۹۵٪ این افراد خود را از دغدغه‌مندان سیاسی تلقی می‌نمودند، به طوری که برای فعالیت‌هایی چون تحصن، نطق و نویسندگی سیاسی اعلام آمادگی می‌کردند، بدون اینکه به‌کنه مسائل آشنایی و اشراف داشته باشند.

با توجه به نتیجه نظرسنجی قبل می‌توان گفت کنش‌های سیاسی-اجتماعی افرادی که در دسته‌بندی عوام قرار می‌گیرند، می‌تواند تأثیر شگرفی از علاقه‌مندی‌های آنان بپذیرد، به نحوی که تقلید در روش فعالیت سیاسی مشهود خواهد بود. شاید گزاف نباشد که برخی حتی تحول در جامعه و خود جامعه را بدون عنصر تقلید قابل تصور نمی‌دانند (قائمی مقدم، ۱۳۸۲: ص ۲۵). بدیهی است که عنصر عواطف تأثیر

کم‌تری بر الگوپذیری قشر نخبه و فعالان کلان حوزه سیاسی - اجتماعی داشته باشد، چرا که این دسته خود الگوهای رفتاری جامعه هستند و صاحب سبک و ایدئولوژی انسجام یافته می‌باشند.

۲- متدین انقلابی، مسلط بر نفس و عامل برای خدا باشد (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۹/۹/۱۴)، یعنی در عین پایبندی به اصول دینی از تحول‌خواهی استقبال کند و در هنجارهای دینی خود اغراض نفسانی را ضدارزش بشمارد. در این صورت، این اشخاص به شاخص‌هایی تبدیل می‌شوند که جمع بین هنجارگرایی مکتبی، اخلاق و تحول‌خواهی نموده‌اند که بستر بروز دغدغه‌های سیاسی جامعه را فراهم آورده، بدون آنکه به جرم سیاسی یا طغیان سیاسی بینجامد.

در الگوهای جریانی مهم‌ترین مصداق احزاب هستند. احزاب نقشی بی‌بدیل در جهت‌دهی به رفتارهای سیاسی دارند و از چند حیث می‌توانند به کمک پیشگیری از جرایم سیاسی بیایند و همچنین مانع از طغیان‌های سیاسی شوند:

۱- احزاب می‌توانند از آناشسیسم و بی‌نظمی در جامعه به سبب کنش‌های مختلف مبتنی بر سلايق مختلف جلوگیری کنند. اساساً در فضای بی‌نظم، شکستن ساختارها و هنجارها تسهیل می‌شود و این مترادف با وقوع جرایم مختلف از جمله جرایم سیاسی و در مراتب بعد طغیان‌های سیاسی - امنیتی است. اصولاً، اینکه برای هرگونه حرکت سیاسی کانال‌کشی و مجرای مشخص غیرحکومتی برآمده از خود افراد یک جامعه وجود داشته باشد، به نوعی هدایت‌گر و وحدت‌بخش است (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۴)، که موجب تعدیل هیجانات، تسریع روندها بدون حرکات عجولانه، مشخص و متمایز شدن فعال سیاسی، معرجم سیاسی و طغیان‌گر سیاسی خواهد شد.

۲- احزاب می‌توانند به مرور عقلانیت سیاسی، اخلاق سیاسی، معرفت و عقیده را به بافت‌های اجتماعی القاء نمایند (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۷/۲۴) که این دو در تقابل با عوامل افزایش جرم به دلایل سیاسی است. جایگزینی مفاهیمی چون رقابت با تعارض، دستگیری به جای دست‌اندازی در فرآیندهای سیاسی، مدارا به جای مسامحه و... از آن جمله‌اند.

۳- احزاب می‌توانند موجب وفاق ملت و حکومت و خرده‌نظام‌های سیاسی حکومتی و غیرحکومتی شوند، به گونه‌ای که نوعی واسطه‌گر بین مردم و موارد مذکور واقع شوند و القای احساس یکپارچگی سیاسی نمایند. طبعاً احساس یکپارچگی سیاسی در جامعه مانع رفتارهای تش‌زا و مجرمانه در قبال افراد، سازمان‌ها و امنیت خواهد شد.

۶. نتیجه گیری

نتایج تحقیق را می‌توان در جداول زیر دسته‌بندی نمود. باید توجه داشت که این تحقیق ناظر به پیشگیری بوده و نه اصلاح مجرمین. لذا، بر این اساس کمیت و کیفیت افراد و بافت‌های گروه‌های مورد نظر در فرآیند پیشگیری، چه به صورت کوتاه مدت و چه بلندمدت، فراتر از گروه‌های مجرم و ناظر به راهبردهای کلان و فراگیر جامعه است:

جدول ۱- پیشگیری متناظر با دسته‌بندی مجرمین

عناصر پیشگیری مجرمین	انگیزه	عصر مادی	جرم قابل پیش‌بینی	اولویت سطح تحلیل	پیشگیری
مجرمین دسته اول (مجرمین سیاسی منطبق بر تعریف قانون)	اصلاح‌گرانه با پذیرش مبانی نظام	جرم سیاسی	مفاد مذکور در قانون جرم سیاسی	جامعه‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی	طبق جدول شماره ۱ و ۳ با اولویت شماره ۱
مجرمین دسته دوم (طغیان‌گران سیاسی که سلسله علل و انگیزه‌هایشان با جرم سیاسی مجرای مشترک دارد)	براندازانه با عدم قبول اصول و مبانی نظام	طغیان "آگاهانه" سیاسی به دنبال مجاری جرم سیاسی	جرایم عمومی و سلب‌کننده امنیت و آسایش و شرارت‌آمیز	زیستی، فردی و روانشناختی، جامعه‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی	طبق جدول شماره ۲ و ۱ و ۳ با اولویت شماره ۲
مجرمین دسته سوم (طغیان‌گران سیاسی که سلسله علل و انگیزه‌هایشان با جرم سیاسی مجرای مشترک دارد)	اصلاح‌گرانه بدون درک درست از مبانی نظام	طغیان "ناآگاهانه" سیاسی ناشی از هیجان، فریب، اغوا و پیروی از الگوهای حاکم	جرایم عمومی و سلب‌کننده امنیت و آسایش و شرارت‌آمیز	جامعه‌شناختی و روان‌شناسی اجتماعی، روانشناختی و فردی، زیستی	طبق جدول شماره ۳ و ۱ با اولویت ۳

جدول ۲- پیشگیری از جرم سیاسی

<p>سعی در بلوغ عقلا نیت و اخلاق هم‌تراز با دغدغه‌های اجتماعی - سیاسی:</p> <p>۱- آموزش و گفتمان‌سازی اخلاقی (با تاکید بر گروه‌های نخبگان)،</p> <p>۲- علقه‌سازی بین مسئولین نظام و بافت‌های اجتماعی (با استمرار بر: الف) اعتمادسازی متقابل،</p> <p>ب) شفافیت و قانع کردن افکار عمومی،</p> <p>ج) مشارکت دادن آحاد گروه‌ها با تبادیل نظر،</p> <p>۳- رفع کاستی‌های حکومت و جامعه به عنوان پاسخ به دغدغه‌ها و مانع شکل‌گیری انگیزه جرم (قابل انطباق با نظریات پیشگیری اصلاحی و اجتماعی و پیشگیری وضعی).</p>

جدول ۳- پیشگیری از تبدیل جرم سیاسی به طغیان سیاسی

<p>به تناسب مرتکب جرم و موانع موثر در مقابل جرم:</p> <p>۱- زایل نمودن توهم قدرت، استغناء و برتری فکری مجرمین،</p> <p>۲- زدودن بستر مناسب انگیزشی در اثر بی‌سازمانی اجتماعی (با تقویت پدافند سیاسی و اجتماعی در مقابل ضد ارزش‌ها، تقویت ذره‌بین اجتماعی و احساس ناامنی مجرم از سرزنش اجتماع، تاکید بر عواقب اجتماعی سوء جرم برای مجرمین).</p>
--

جدول ۴- پیشگیری از تبدیل جرم سیاسی به طغیان سیاسی

<p>نفی آثارشیم در اهداف و رویه‌ها و رسیدن به اخلاق و رویه‌های با استانداردهای مشترک و مطلوب با تاکید بر الگوهای زنده، نمادین و... با هدف: الف) تحکیم نظام ارزشی براساس پروتداده‌نظام‌های مولد ارزش، ب) زوال مأمن مجرمین در پس ناهنجاری‌های ارزش تلقی شده با تاکید بر:</p> <p>۱- الگوهای انسانی (با ویژگی‌های، الف) جذب عواطف، ب) جامع هنجارگرایی مکتبی، اخلاق و تحول‌خواهی)،</p> <p>۲- الگوهای جریانی یا احزاب (با ویژگی‌های: الف) هدایت‌گر و نظم‌بخش به سوی وحدت، ب) الفاء‌گر اخلاق و عقیده، ج) الفاء‌گر وفاق ملت، حکومت و خرده‌نظام‌های موجود).</p>

۷. پیشنهاد برای پژوهش‌های مرتبط در حوزه تقنین

قانون جرم سیاسی مصوب اردیبهشت ۱۳۹۵ در مواردی امکان دارد به لحاظ عملی با چالش‌هایی روبه‌رو شود که پیش‌بینی این موارد و ارائه پیشنهادات در این زمینه حائز اهمیت است:

۱- چنانچه انگیزه مجرم و فعل مادی جرم، مشمول قانون جرم سیاسی باشد، ولی نتیجه و اثر جرم بیش از حد انتظار باشد، با مجرم چگونه باید برخورد نمود و اقتضانات جرم‌شناسی چه عکس‌العملی را ایجاب می‌کند؟ برای مثال، نشر اکاذیب در قانون جرم سیاسی (با لحاظ شرایط سیاسی تلقی شدن) اگر دارای آثار افساد (ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲) نیز باشد، مواجهه با این جرم و مجرم باید چگونه باشد؟

۲- به نظر نگارنده باید جرایمی را سیاسی تلقی نمود که امر سیاسی گاهی به ناچار متوقف بر ارتکاب آن جرم باشد و بعضی از مصادیق جرایم در قانون جرم سیاسی مشمول این شرط نیستند. برای نمونه انتقاد از یک مقام کشوری و اصلاح امور شاید گاهی نیازمند گمانه‌زنی باشد که در پی آن ارتکاب جرم افتراء لازم بیاید، ولی توهین به یک مقام، بی‌شک هیچ حاصل سیاسی- اجتماعی و اصلاحی ندارد و شایسته است

تحت عنوان جرایم عمومی بررسی شود. بررسی بنیادی مفاهیم جرم‌شناسی با عنایت به ساختارها و رویه‌های امر سیاسی در کشور می‌تواند به نتایج تقنینی دیگر به عنوان برون‌داد بیانجامد که مطالعه و بررسی در این مورد مفید خواهد بود.

۳- شایسته است درباره صلاحیت مجرم سیاسی نسبت به ارتکاب جرم نیز پژوهشی صورت گیرد؛ بدین معنا که چه عملی در چه سطحی از چه شخصیتی و با چه صلاحیتی صادر شده است و این عوامل تا چه اندازه بر آثار جرم و به تبع آن مجازات آن می‌تواند تأثیر داشته باشد؟

منابع

قرآن کریم.

- نهج البلاغه. محمد بن حسین سید رضی؛ تصحیح صبحی صالح. قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۳). *تحف العقول عن آل الرسول (ص)*. قم: چاپ علی اکبر غفاری.
- ابن شهر آشوب (بی تا). *مناقب آل ابی طالب*. نجف: حیدریه.
- احمدی، حبیب (۱۳۸۹). *جامعه‌شناسی انحرافات*. تهران: سمت.
- ادیبی، حسین؛ انصاری، عبدالمعبود (۱۳۹۱). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*. تهران: دانژه.
- بندورا، آلبرت (۱۳۷۲). *نظریه یادگیری اجتماعی*. ترجمه فرهاد ماهر. شیراز: راهگشا.
- پیله، رسول (۱۳۸۴). *مطالعه تطبیقی جرائم سیاسی و آیین دادرسی آن در فقه امامیه و حقوق ایران و مصر*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- پیوندی، غلامرضا (۱۳۸۲). *جرم سیاسی*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حومد، عبدالوهاب (۱۹۶۳م). *الاجرام السیاسی*. لبنان: دارالمعارف.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۱/۱). *پیام نوروزی رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۴*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=29204>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۶۹/۹/۱۴). *بیانات در دیدار با کارگزاران نظام*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=2390>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۴/۱/۲۰). *بیانات در دیدار مداحان اهل بیت (ع)*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=29415>
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۰/۷/۲۴). *بیانات در دیدار با دانشجویان کرمانشاه*. قابل دسترس در:
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=17597>
- ستوده، هدایت‌الله (۱۳۸۶). *آسیب‌شناسی اجتماعات (جامعه‌شناسی انحرافات)*. تهران: آوار نور.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲). *حقوق جزای عمومی*. تهران: طرح‌نو.
- صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۴). *المبدأ و المعاد*. تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- صفاری، علی (۱۳۸۰). *مبانی نظری پیشگیری از وقوع جرم*. *تحقیقات حقوقی*، ۳۳-۳۴: ص ۲۶۷-۳۲۲.
- طوسی، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *اخلاق ناصری*. تهران: علمیه اسلامیة.
- عاملی، سید جعفر مرتضی (۱۳۸۷). *امام علی (ع) و خوارج*. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- علائی، حسین (۱۳۹۱). *امنیت پایدار در سند چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران*. راهبرد دفاعی، ۱۰(۳۹).
- علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۶۷). *حقوق جنایی*. تهران: انتشارات فردوسی، ج ۳.

- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵). *روضه الواعظین و بصیرة المتعظین*. قم: نشر رضی، ج ۲.
- قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵.
- قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲.
- قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۲). روش الگویی در تربیت اسلامی. معرفت، ۱۲(۶۹): ص ۲۵-۳۷.
- کاویانی، محمد؛ فصیحی رامندی، مهدی (۱۳۹۱). بررسی تطبیقی دیدگاه‌های غزالی و بندورا در تربیت اخلاقی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*، ۶(۱۶): ص ۹۵-۱۲۴.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق). *کافی*. قم: دارالحدیث، ج ۲.
- ممتاز، فریده (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی: نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نصراوی، سامی (۱۹۷۷م). *المبادئ العامة فی قانون العقوبات*. بغداد: طبعة دارالاسلام.
- ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۳). *حقوق جزای اختصاصی (جرائم بر ضد امنیت و آسایش عمومی)*. تهران: نشر داد.
- Bandura, A. (1991). **Social cognitive theory of moral thought and action**. In: W.M. Kurtine & J.L. Gewirtz (Eds.), *Handbook of moral behavior and development (Vol.1, pp.45103)*. Hillsdale, NJ: Erlbaum.
- Cohen, L. & Felson, M. (1979). Social change and Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach. *American Sociological Review*, 44.
- Faris, R.E. (1948). **Social Disorganization**. New York: The Ronald Press Company.